



# تحقیقات طبقات الارضي

در افغانستان

مترجم سيد قاسم خال

علم طبقات الارض در جمله علوم طبيعي اهميت زياد دارد و در اثر مساعي هيئت هاي اين شعبه ، امروزه كتر حصه در عالم باقي مانده خواهد بود كه تشكيل طبقات الارض آن تحقيقات نشده باشد . مطالعات طبقات الارض و وطن عزيز ما افغانستان نيز تا بسيار مدت ها معطل مانده بود و اگر در نيمه آخر قرن ١٩ بعضي قسمت هاي آن بواسطه علمي اين شعبه ، تحقيق شده باز هم تا كنون كتر كسي از خارجيان و هموطنان از آن اطلاع دارند .

لهذا اينك براي معلومات اهال وطن عزيز و خارجيانيكه از اين تحقيقات اطلاع ندارند ، به ترجمه تاريخ و چگونه گي تحقيقات طبقات الارض افغانستان كه در كتاب ( هندوكش و كاپستان ) مؤلفه مسيو فورن فرانسوي ( طبعه پاریس ١٩٢٧ ) بضم مختصر بنظر رسیده ، اقدام مينمايد .

( سيد قاسم )

تحقيقات طبقات الارض افغانستان تا كنون بضم اصولي اجراء شده نتوانسته است معيذ بعضي علمي اين شعبه ( طبقات الارض ) نتيجه تحقيقات خود را كه در دوران مسافرت هاي کوتاه در آنجا بعمل آمده است ، نشر کرده اند . اگرچه اين نشر پمات اهميت و قيمت زياد دارد ، مگر متأسفانه بيكي از علمي مذکور مدت كافي در افغانستان مانده نتوانسته است تا تحقيقات خود را بطور اساسي اجراء بدارد و در جزئيات مداخلت كند .

تا جائيكه من معلومات دارم ، اولين اروپائي كه راجع به تشكيل طبقات الارض خاك افغانستان معلومات داده ، داکتر لارد میباشد .

داکتر لارد در سنه ١٨٣٧ در هيئت انگليسي كه رئيس آن ( بورنس ) بود ، بحيث طبيب داخل افغانستان شده از كابل به تركستان مسافرت نمود . اين شخص در باد داشتيكه بسال ١٨٢٨ در مجله « جورنال آف آزياتيك سوسائتي » نشر شده راجع به طبقات حجري گنيس

( Gneiss ) و میکاشیست ( Micaschiste ) دره غوربند و گرانیت ( Granite ) سنگ خارا ، هندوکش تشریحات داده در باب احجار اخیرالد کر مینوبسد : این گرانیت ها مرکب از فلدسپات ( Feldspath ) - سفید و هورنبلند ( Hornblende ) ( ١ ) است .

طیب انگلیسی در طول راه تپه های آهکی را کشف کرده اما تاریخ تشکیل آن را نگفته است . از روی نوشته هایش معلوم میشود که رگ های آهن ، سرب و آنتیمون ( يك نوع ماده معدنی ) بیشتر جلب توجه او را نموده بود .

پس از او در ١٨٤٠ کاپتن (درونده) انگلیسی مناطق غلزائی را که به جنوب شرق کابل و شمال شرق غزنی واقع است ، سیاحت کرد . و در آن جاها احجار آمفیبولیت ( Amphibolites ) آهک پالئوزوئیک ( Calcaires Paléozoïque ) و میکاشیست را ملاحظه نمود . چون مأموریت او عبارت از تحقیق معادن بود ، لهذا در یادداشتیکه بسال ١٨٤١ در مجله « جورنال آف آزباتیك - سوسی » نشر شده ، بیشتر در همین قسمت پیچیده است .

بعد ازین چندین سال ، دیگر هیچ کسی در خاک افغانستان داخل نشد زیرا بواسطه عدم استقرار اوضاع سیاسی ، سرکهای امن و مناسبات دیپلوماتیکی مقطوع بود .

تا آنکه در ١٨٨٠ مابین افغانستان و انگلستان جنگ واقع شده و همین جنگ برای يك عالم طبقات الارضی انگلیس موسوم به ( گریزك ) که بز و هیئت اعزای سمت قدر هار بود ، فرصت داد که منطقه بین کوچه و گرشک را معاینه نماید . در اثر زحمات همین عالم است که امروز ما تا يك اندازه به ساختمان حصص تحقیق ناشده و سببی آشنا شده ایم .

قدیمیترین اراضی قسمت های جنوبی که گریزك سیاحت نموده از احجار آهکی نباشیری تشکیل شده و بعضی حصص آن بواسطه طبقات جبری جدید ، مستور است .

گریزك در بین مواضع تشکیلات جبری « ایوسین » ، « میوسین » ، « پلیوسین » و « پوسین » را نیز یافته است .

( ١ ) همه این لغات ، اسامی احجار و طبقات زمینی است که در فارسی معنی صحیح ندارد بلکه در علم طبقات الارض تقریباً همه زبانها به یکسان میباشد دیگر لغاتی که از همین قسم درین مقاله ذکر شده هم مثل اینها عبارت از اصطلاحات علمی است که ترجمه نمیشود . مترجم .

در ۱۸۸۳ گریز بك همراهی جنرال کیندی به تخت سلیمان رفته ، بك قسمت از کوههای سلیمان را معاینه کرد .

در ۱۸۱۴ الی ۱۸۸۶ گریز بك به هیئت تجدید سرحدات شمالی افغانستان شامل بود . گریز بك در چندین باد داشت هائی که تحت عنوان فیلد نوتس ، باد داشت های میدان جنگ ، نشر نموده وضعیت طبقات الارضی قسمت های هرات ولایات شمالی افغانستان ، با حصه هندو کش و دره کابل را شرح میدهد . بقرار تحقیقات او ، تمام حصص شمالی افغانستان از بك طبقه اجار تبا شیری مستور میباشد اما عات اینكه گریز بك این حصص را بیشتر اهمیت میدهد اینست كه او در آنجا ، اجار آنرا کولیتك ( anthracolithiques ) كشف نموده است .

در سنه ۱۸۹۱ بلز همین شخص سفید كوه را معاینه نموده و تمام تعبیرات و ملوماتی را كه در خصوص این تحقیقات آخرین ، و ملاحظات قبل الذ كر خود نوشته ، تقریباً با تمام ، واقعیت و حقیقت دارد .

در سال ۱۹۰۵ ماك میسون انگلیسی قسمت سیستان را تحقیقات نمود . یادگار های این عملیات او در مجله ( جیوگرافیکل جورنل ) مطبوعه سال ۱۹۰۶ باقی مانده است . مواد باؤنتولوژيك ( علم نباتات و حیوانات محجر ) این حصص بواسطه وردنبرگ انگلیسی كه در آن وقت بلوچستان را تحقیقات میکرد مطالعه شده است .

بعد بسال ۱۹۰۸ استراچ - ایچ هایدن مدیر ( جئولوژیكل سروی آف انڈیا ) مسافرتی به شمال هندو کش نمود . این شخص در قسمت همراه مسافرت خویش خط السیر گریز بك را تعقیب کرده و خوشبختانه کشفیات موخر الذ كر را تکمیل نموده است . سر هایدن موقع مراجعت از راه كوه بابا دران حدود يك مركز حیوانات و اراضی دیونین ( قسمی از اراضی رطوبتی مشابه به حصص ولایت دیون در انگلستان ) را مكشوف ساخته علاوه برین نامبرده بمقام خور د کابل بك طبقه از سر - و بات بحری یافته و در حین همین زمان اراضی آهکی ( پرموکار بونیفر )

علاقه بامیان را مطالعه و تاریخ تشکل طبقات تباشیری ( آهکی ) آن جاها را سنجش و تعیین نمود . هایدن دریاد داشت هائیکه بسال ۱۹۱۱ نشر شده ، سیاحت خود را در افغانستان بقسم مفصل شرح داده و راجع بمقامات دیده گئی تحقیقات و نظریات دیگر - با حین سابق را تأیید نموده است .

در سنه ۱۹۲۳ دا کتر ترنگلر المانی اولین نتایج مسافرت خود را که برآه هر برود و هزاره از هرات تا سرخ آب انجام داده بود نشر نموده است .

بالاخره آخرین تحقیقات که تا کنون در قسمت طبقات الارضی افغانستان بعمل آمده ، عامل آن من هسَم که در تابستان ۱۹۲۳ جبال هندوکش و سلاسل اطراف آن را بصورت مکملتری مطالعه نموده ام . درین سفر پس از ملاحظه دره غوربند و علاقه بامیان در منطقه که تا آنوقت یکی نامکشوف بود ( نواحی هندوکش ) داخل شدم و احجار گرانیتی ( سنگ خارا ) دره اندراب را که تا کوتل خاراك ( ۳۶۰۰ متر ارتفاع ) ممتد شده ، کشف کردم .

بعد این کوتل را که بدخشان و کافرستان بواسطه آن بهم ملحق میشود ، از شمال به جنوب طی کرده ، در حالیکه دره پنجشیر را از حد چشمه های دریا نا جلگه کوه دامن تعقیب مینمودم سمت غربی حوضه مذکور را سیاحت نمودم .

علاوه برین در سال ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ بواسطه چندین مسافرت کوچک در اطراف کابل ، علاقه کابلستان را مطالعه کردم .

ملاحظات و تحقیقات من ، در کتاب ( هندوکش و کابلستان ) بسال ۱۹۲۷ در پاریس نشر گردیده است .

